



ضرب المثل با حرف ج

جاناسخن از زبان مامی گویی:
حرف دل خود را از زبان طرف صحبت شنیدن.

جان به لب رسیدن:
تحمل رنج و سختی زیاد.

جانماز آب کشیدن:
خشکه مقدسی و تظاهر به تقدس و ایمان، در حدی که پاکی جانماز شک کند.

جای سوزن انداختن نیست:
شلوغی و ازدحام و فشردگی جمعیت است که به اندازه پایین آمدن سوزن جا وجود ندارد.

جایی نمی خوابه آب زیرش بره:
آدم زرنگ و زیرکی گله کاملاً مواظب است و کاری نمی کند که باعث ضرر و زیانش شود.

جسته گریخته:
حرف یا موضوعی که کم و بیش پراکنده و ناقص گفته یا شنیده شود.

جلوی حرف مردم را نمی توان گرفت:
سفارش در مورد بی اعتنائی به حرف مردم.

جلوی ضرر را از هر کجاگیری منفعت است:
در هر مرحله بتوان به ضرر و زیان خاتمه داد کم ترین فایده اش ضرر کردن بیشتر است.

جایزه بچه نیست :
وقتی چیزی یا کسی در محل مورد انتظار نباشد.

جلوی کسی گاو زمین زدن:
نهایت مهمان نوازی و خیر مقدم از رودریاستی.

جمعتان جمع، یکی تون کمه:
معمولاً کسی که تازه وارد جایی شود خطاب به جمع می گوید.

جنس ارزان را پولدارها می خرند:
چون جنس ارزان بی عیب و یا با دوام نیست، لذا باید مجدداً خریداری شود یا پولی صرف تعمیرش گردد.

جنگ اول به از صلح آخر:
وقتی تمام حرف ها و قرار مدارها و حساب کتاب ها در همان ابتدای کار گفته شود بعداً دلخوری و ناراحتی پیش نمی آید.

جنگ زرگری:
جنگ و جدال ساختگی برای گول زدن و سود بردن.

جواب ابلهان خاموشی است:
با نادان و یا کسی که خود را به نفمی زده نباید هم کلام شد و جوابش را داد.

جواب های! هوی:
جواب فحش و بد زبانی، خشونت و بد زبانی و جواب خوبی و خوش زبانی، ملایمت و خوش زبانی است..

جوان است و جویای نام آمده:
تازه کاریا جوانی که غرور و جسارت و هارت و پورت زیادی داشته و به دنبال کسب شهرت و مقام باشد.

جوان ها در قفسند، پیرها در هوسند:
معروف است که پیرها بیشتر از جوان ها سر و گوششان می جنبند.

جوانی کجایی که یادت بخیر:
کسی که به پیری رسیده باشد و با تاسف و حسرت دوران جوانی و نشاط خود را بیاد آورد.

جوانیه و نادانی:
تبرئه جوان و توجیه حرکات و اعمال ناپسندش.

جوبده منزل عوض کن:
امر به آماده شدن برای رفتن و جا عوض کردن و مرخص شدن از جایی.

جوجه را آخر پاییز می شمارند:
نتیجه کار آخرش مشخص می شود نباید از ابتدا زیاد دلخوش و امیدوار بود.

جور استاد به ز مهر پدر:

خسونت و سخت گیری و آزار معلم و استاد از محبت و نوازش پدر هم بهتر و مفیدتر است.

جوش زن شیرت خشک می شه:

به کسی که در مورد چیزی یاد در مشاجره سرو صدا می کند و حرص می خورد می گویند.

جو فروش گندم نا:

کسی که ظاهری خوب و باطنی نازیبا دارد.

جون به جون کسی کردن:

برای فهماندن مطلب به شخص نفهم، لجوج یا بدجنس و یا برای کار آمدن و جذب او از جان مایه گذاشتن و آخر هم نتیجه نگرفتن.

جون به عزرائیل نمی ده:

سخت گیر، خسیس.

جون تو جون خونه، علی الخصوص صندوق خونه:

کسی که بخواهد خانه اش را به کسی بسپارد به شوخی این سفارش را می کند.

جهود بازی در آوردن:

سرو صدا و بی آبرویی کردن.

جهوده خون دیده:

کسی که از اندک خون و جراحت بترسد. ترسو.

جیب گدا ته نداره:

اشاره به اشخاصی که برای جمع آوری پول حرص می زنند.

جیش را تار عنکبوت زده:

بی پول و فقیر شدید.

جوانی کجایی که یادت بخیر:

کسی که به پیری رسیده باشد و با تاسف و حسرت دوران جوانی و نشاط خود را بیاد آورد.

جوانیه و نادانی:

تبرئه جوان و توجیه حرکات و اعمال ناپسندش.

جوبده منزل عوض کن:

امر به آماده شدن برای رفتن و جا عوض کردن و مرخص شدن از جایی.

جوجه را آخر پاییز می شمارند:

نتیجه کار آخرش مشخص می شود نباید از ابتدا زیاد دلخوش و امیدوار بود.